



گویند معرفت بیست و هفت حرف دارد ولی همه آنچه انبیاء به بشر آموخته اند دو حرف بیشتر نیست و تا ظهور حجت حق تمام آن بر حروف بر انسان پوشیده خواهد ماند . هزار سال از عمر بشر در روی کره خاکی می گذرد ولی هنوز از درک آن دو حرف عاجز مانده آیا هستند کسانی که از مرز آن دو حرف گذشته و به مرز سوم رسیده باشند ؟

نام : ولی الله

نام خانوادگی : مرشدی

نام پدر: علی اکبر

تاریخ و محل تولد : ملارد 1342

تحصیلات : دیپلم

تاریخ و محل شهادت : فکه 22/1/1362

قبولی در امتحان ولی

در آن زمان بدلیل کمبود امکانات، علاقمندان به تحصیل به شهر های اطراف مراجعه می کردند ولی الله که علاقه بسیاری به ادامه تحصیل داشت، در کرج درس می خواند. چندی از آغاز تهاجم عراق علیه ایران نمی گذشت، روزی پدر شهید حیدری مجد به درب منزلمان مراجعه نمود و گفت : زمانی که برای بدرقه رزمندگان به جبهه، به محل اعزام رفته بود دیدم ولی الله همراه تعدادی از دوستان خود به منطقه اعزام شدند. خیلی تعجب کردم، بدون اطلاع و خداحافظی رفته بود. بعد از گذشت بیست روز از این ماجرا ولی الله از منطقه بازگشت .از او دلیل رفتن بدون اطلاعی را پرسیدم در جواب من گفت : خواستم شما را امتحان کنم بینم صبر و طاقت شما به چه میزان است آیا تحمل دوری از فرزندان را دارید یا نه ؟
که الحمدلله این طور بود حالا آمده ام از شما رضایت بگیرم و با اطمینان قلبی درجبهه حضور داشته باشم .

نقل از مادر شهید

تو از من راضی باش تا من شهید بشوم

برای دومین بار رفت . حدوداً مدت دوماه درجبهه حضور داشت ، زمانی که بازگشت خیلی خوشحال شدم . اما او خیلی ناراحت بود به من گفت شما از من راضی نیستید که شهادت قسمت من نمی شود، دوستان و همزمان نزدیک من به شهادت می رسند و من ماندم و خجالت می کشم . باید قولی از شما بگیرم هم خودتان از من راضی شوید و هم رضایت پدر را جلب کنید تا من شهید شوم . جهاد پشت جبهه را فراموش نکنید مادر جان حتما شرکت کنید .

نقل از مادر شهید

من بمانم تا دوستانم اسیر شوند

نزدیک عید بود که خیر شهادت ولی الله در فکه را برایمان آوردند. عروج او خیلی سخت بود ولی از من برای شهادت رضایت گرفته بود و من هم توکل کردم به خداوند. ده سال طول کشید تا پیکر ولی الله از جبهه باز گردد. این را یک آزمون الهی می دانم. در این مدت به یاد توصیه های ولی الله می افتادم انگار خودش می دانست این چنین می شود که می گفت باید تحمل کنی و مانند زینب (س) باید صبر داشته باشی .

برای بازگشت پیکر ولی الله نظر کردم که او به خوابم آمد و گفت : مادر جان نظرت را ادا کن .

دیگر تحمل دوری او برایم سخت شده بود که به حضرت حجت توکل کردم و از او خواستم تا مسافر مرا به من برساند، چهار روز بعد خبر آمد: پیکر ولی الله پیدا شده و مسافرمان از سفر بازگشت . همانطور که گفته بود شد، تکه

هایی از استخوان هایش و مشتى خاک. خودش مى دانست .

نقل از مادر شهید

دل نوشته ولی الله

با نام خدا به راهم و حضور قلبی وصیت نامه ام را آغاز می کنم.

با سلام بر مهدی موعود (عج) خاتمه دهنده کفر و با سلام بر رهبر انقلاب فریاد رس مظلومان جهان و با درود و سلام بر شهیدان شاهدان همیشه زنده و با سلام بر معلولین و مجروحین انقلاب که صدای رسای انقلابند و با درود به کلیه خانواده شهدا و با سلام بر سرور شهیدان حسین بن علی (ع) قبل از هر چیزی هرچیز خدای بزرگ را شکر میکنم که در زمانی زندگی می کردم که هر لحظه امت اسلامی میخواست از اصل اسلام منحرف شود امام عزیز با بیانهای پیامبر گونه اش امت را به صراط مستقیم هدایت می کرد و از خدای می خواهم که از گناهان من بگذرد و از خدای بزرگ خواستارم که من را در خط امام حرکت دهد تا بتوانم به ندای ((هل من ناصر ینصرنی)) حسین زمان رهبر محبوبان امام عزیز خمینی مجاهد لیک دهم و از خدا چون ما معتقدیم کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا . بتوانم در جبهه های حق علیه باطل به پیکار خود ادامه دهم و از خدا خواستارم که توانا کند در خدمتش اعضايم را ... و تصمیم را

...

پدر عزیز : می دانم که ناراحتی فرزندت را از دست داده ای لکن این را بدان که اگر میخواهی من آسوده باشم بر من گریه نکن بلکه خدای را شکر کن و نماز شکر بجای آور و صبر و تقوا پیشه کن که تقوی لباس قیامت است و پشتیبان اسلام باش که خدا می داند من فقط برای رضای خدا به جبهه رفتم و امید وارم که مرا ببخشی مثل همیشه بدون خداحافظی به جبهه پر کشیدم خدا حافظ پدر عزیزم .

و اما تو ای مادر که از شهادت من بیشتر از همه ناراحت خواهی بود ولی افتخار کن که فرزندت را در راه آرمان امام حسین (ع) هدیه داده ای و این را بدان که شما رسالت خویش را به اسلام انجام داده اید و رو سفید خواهید بود. و شما برادران و یاورم و خواهر مهربانم فقط این را بگویم که از خط اسلام جدا نشوید و برای رضای خدا کار کنید . و در پایان وصیت من به امت اسلام ملارد : برادران، حزب الله را در بین خود بیشتر کنید افراد صالح را جذب کنید و از مواضع غیبت دوری کنید و قدر برادران حزب الهی خود را بدانید و فکر آخرت باشید و دل بر جهان مبنید و از خدای بزرگ بخواهید که شما را در سپاه خویش قرار دهد برگرداند شما را به حزب خدا که حزب خدا رستگار است و همچنین خدای را شکر می کنم که بر ما منت نهاد و ما را یع راه راست هدایت نمود و ما هم جان خود را در این راه هدیه خواهیم داد.

خداحافظ شما

ولی الله مرشدی